

دربارهٔ جزئیات مواجههٔ هوشمندانهٔ ایران برابر آمریکا و تصویری که از فرماندهٔ ارشد نظامی مان بر ساخته می شود

نقطه زنی در پاسارگاد و تهران



خبرنگار گروه سیاست

حضور سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، در تخت جمشید برای ضبط پیام تبریک نوروزی سال ۱۴۰۴، یکی از اتفاقات قابل توجه در آغاز سال نو بود که بازتاب گسترده‌ای در میان مردم و رسانه‌ها داشت. این اقدام که با حضور ایشان در کنار یکی از نمادهای تاریخی و فرهنگی کشور همراه شد، نه تنها نشان‌دهنده پیوند میان اقتدار نظامی و هویت ملی بود، بلکه از منظر ارتباط با جامعه نیز حائز اهمیت به نظر می‌رسد. برقراری ارتباط با قشر خاکستری جامعه، بخشی از کارکرد این ویدئوی یک دقیقه‌ای بود که در ادامه هم توانست نظر چهره‌های مختلف از طیف‌های متنوع را نیز جلب کند و آن‌ها را به تحسین این حرکت در شرایط حساس امروز کشور در حوزه‌های داخلی و خارجی وادار کند.

تبریک استراتژیک

سرلشکر باقری به‌عنوان عالی‌ترین مقام نظامی کشور، معمولاً در موقعیت‌های رسمی و مرتبط با حوزه دفاعی و امنیتی دیده می‌شود. اما این بار در یک فضای غیرمنتظره و با حال‌وهوایی متفاوت ظاهر شد. تخت جمشید؛ بنایی که به لحاظ تاریخی و تمدنی جزو سرمایه‌های مهم کشور است، امروزه برخی دولت‌ها در تمنای چندخط از تاریخ هستند تا ضمیمه کشورشان کنند و در نهایت هم ناچار می‌شوند جای خالی آن را با جمل و تاریخ‌سازی پر کنند. انتخاب سرلشکر باقری از چند جهت قابل تأمل است. نخست اینکه حضور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران در چنین مکانی، پیامی فراتر از حوزه تخصصی او منتقل می‌کند. تخت جمشید، به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار باستانی جهان، نه تنها نمادی از تاریخ غنی ایران باستان است، بلکه به نوعی پیانگر هویت جمعی ایرانیان در طول تاریخ محسوب می‌شود. این حرکت همچنین نشان‌دهنده تلاشی برای نزدیک شدن به مردم است که شاید کمتر با زبان نظامی‌گری ارتباط برقرار می‌کنند. سرلشکر باقری با حضور در تخت جمشید و ضبط یک پیام ساده و صمیمی، از شمایل یک فرمانده نظامی صرف فاصله گرفت و چهره‌ای لطیف‌تر و مردمی‌تر از خود به نمایش گذاشت. این روحیه برای یک مقام عالی‌رتبه نظامی که مسئولیت سنگین حفظ امنیت کشور را آن هم در شرایط کنونی بر عهده دارد، می‌تواند به معنای درک عمیق او از نیازهای روحی و روانی جامعه باشد. در شرایطی که ایران با تهدیدات خارجی و چالش‌های داخلی مواجه است، چنین حضوری می‌تواند حس خوب امنیت را به مردم یادآوری کند.

پیامی که قشر خاکستری بیشتر شنید

یکی از نکات برجسته این اقدام، لحن و محتوای پیام سرلشکر باقری بود. او در این ویدئو، با تبریک سال نو و عید فطر، آرزوی آرامش و خیر برای مردم ایران کرد و بر صلح و دوستی با همسایگان تأکید داشت. این پیام، بر خلاف آنچه ممکن است از یک مقام نظامی انتظار برود، لحنی آرام و امیدوارانه داشت. چنین رویکردی، به‌ویژه در آغاز سال جدید و در میان گرد و غبارهای منطقه‌ای که مردم به دنبال اتفاقات مثبت و انگیزه‌بخش هستند، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر مخاطب داشته باشد. شرایط فعلی کشور در حوزه‌های داخلی و خارجی، حساسیت جامعه نسبت به حروف ادا شده توسط مسئولان را تشدید می‌کند و اینجاست که سخن از صلح و برادری توسط عالی‌ترین مقام نظامی کشور، وزن بیشتری پیدا می‌کند و بیشتر هم شنیده می‌شود.

این انتخاب نشان می‌دهد سرلشکر باقری از قدرت نمادها و تأثیرگذاری کلام باخبر است و نقطه‌زنی اش محدود به میدان نبرد نیست. او می‌توانست پیام خود را از یک پایگاه نظامی یا دفتر رسمی ضبط کند، اما ترجیح داد در کنار تخت جمشید که برای بسیاری از مردم محبوب است، سخن بگوید. این تصمیم، به نوعی نشان‌دهنده درک اواز اهمیت ارتباط با قشرهای مختلف جامعه، به‌ویژه طبقه متوسط و قشر خاکستری است که شاید کمتر به مسائل نظامی توجه‌شان دهند، اما در مقطع کنونی به دلایل قابل بررسی نسبت به تاریخ و هویت ملی خود حساس‌اند.

پلنفرمی‌ها هم استقبال کردند

طبیعی است که چنین حرکتی با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شود. بر اساس آنچه در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مشاهده شد، اکثریت مردم از این اقدام استقبال کردند. بسیاری این حضور را نشانه‌ای از توجه نیروهای مسلح به هویت ملی و

تلاش برای ایجاد حس آرامش در جامعه دانستند. کاربران شبکه‌های اجتماعی، با انتشار ویدئوی پیام تبریک سرلشکر باقری، به تمجید از سادگی و صمیمیت او پرداختند. برخی نیز این حرکت را تلاشی برای تقویت همبستگی ملی در برابر تهدیدات خارجی تفسیر کردند.

با این حال، همه واکنش‌ها هم مثبت نبودند. عده‌ای از منتقدان، این اقدام را با سلیقه خود سازگار ندانستند و آن را نوعی نمایش تبلیغاتی تلقی کردند. برخی معتقد بودند نیک مقام نظامی باید در حوزه تخصصی خود فعالیت کند و حضور در تخت جمشید ممکن است از جدیت جایگاه او بکاهد. برخی دیگر هم معتقدند میزان سن و فضای بصری کار می‌توانست دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر اجرا شود اما آنچه مسلم است، بازتاب رسانه‌ای گسترده و مثبت از این حرکت بود که توجه طیف‌های مختلف را به خود جلب کرد.

هم میدان هم مردم

یکی از نقاط قوت این اقدام، تصویری بود که از سرلشکر باقری در تخت جمشید ارائه شد. او در این ویدئو، با ظاهری ساده و غیررسمی ظاهر شد. این انتخاب، توانست او را از قالب خشک و رسمی یک فرمانده نظامی خارج کند و به‌عنوان فردی معرفی کند که هم‌زمان هم حرفه‌ای است و هم با مردم ارتباط نزدیک دارد. این شمایل، برای یک مقام ارشد نظامی که باید هم در حوزه امنیت طاعتیت نشان دهد و هم اعتماد عمومی را جلب کند، بسیار کارآمد به نظر می‌رسد. از سوی دیگر پیام یک دقیقه‌ای سرلشکر باقری، تهی از مسائل تخصصی نبود. تأکید بر صلح و دوستی با همسایگان، در حالی که ایران در حال رسیدگی به وضعیت مذاکراتش با آمریکاست، حاکی از ملاحظات استراتژیک نظامی نیز بود. این سخنان، از یک سو به مردم ایران اطمینان می‌داد که نیروهای مسلح در پی جنگ افروزی نیستند و از سوی دیگر به کشورهای منطقه سیگنال می‌فرستاد که سیاست همسایگی همچنان مورد توجه ایران است. چنین رویکردی، کاراکتر سرلشکر باقری را به عنوان یک فرمانده حرفه‌ای که هم استراتژی نظامی را می‌شناسد و هم زبان دیپلماسی را درک می‌کند، تقویت کرد. این حرکت رسانه‌ای، به سرعت در رسانه‌های داخلی و حتی خارجی بازتاب یافت. این بازتاب در کنار استقبال طیف‌های مختلف از این حرکت، خود گواهی بر موفقیت این اقدام در جلب توجه افکار عمومی بود.

دیپلماسی مسلح در تهران

در روزهای گذشته رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران با موضوعی غیرنظامی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و آن هم تبریک نوروز از طریق ضبط و نشر ویدئویی در مجاورت مجموعه تاریخی تخت جمشید بود. لباس غیررسمی سرلشکر محمد باقری و فضای غیرنظامی مورد توجه قرار گرفت. سرلشکر اما روز گذشته بار دیگر و این بار در همان چهارچوب رسمی حافظ امنیت و استقلال کشور مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. امروز گذشته از برخی مضامین پاسخ ایران به نامه رئیس جمهور آمریکا سخن گفت، بر رفع برخی اشکالات پس از عملیات‌های وعده صادق۱ و ۲ صحه گذاشت و در نهایت، آمادگی نظامی ایران را به رخ کشید. کنار هم گذاشتن آن پیام نوروزی لطیف با این سخنان صریح نظامی و سیاسی، وجهه رحما به بینهم و اشداء علی الکفار نیروهای مسلح ایران را واضح‌تر می‌کند.

سرلشکر محمد باقری، رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران روز گذشته از «مسئولیت سنگین دفاع» که بر عهده نیروهای مسلح است، گفت که البته آن را در مقام مقدمه‌ای برای «امنیت سرمایه‌گذاری» در کشور بیان کرد: «همه توان و تلاش ما باید این باشد که بازدارندگی، دفاع کارآمد، امنیت پایدار، ثبات و آرامش با تمام قوا دنبال شده و اطمینان خاطر به امنیت سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی داده شود.»

باقری از رفع اشکالات در حوزه نظامی پس از دو عملیات حمله موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی گفت، گویی که این دو عملیات چونان تمرینی بوده‌اند برای روزی که شاید با خطای محاسباتی آمریکا و نیروی نیابتی اش در منطقه فرار بسد: «مادر تقابل نظامی با رژیم صهیونیستی و اجرای عملیات‌های وعده صادق، واقعیت توانمندی‌ها و نقاط قوت و ضعف دشمن و خودمان را به خوبی محک زدیم و توانستیم در کوتاه‌ترین زمان ممکن با دقت برخی اشکالات را برطرف کنیم و اینک قاطعانه و با اطلاع دقیق می‌گویم که وضعیت پدافند هوایی، سطح تولید و توانمندی موشکی، توانمندی پهپادی و کروز ما با عملیات وعده صادق دو و عملیات پنج آبان دشمن قابل مقایسه نیست.»

قدرت سلاح نیروهای مسلح ایران در بیان سرلشکر باقری، پشتوانه‌ای برای دیپلماسی کشور ماست، خصوصاً که در روزهای پیش رو قرار است مذاکرات غیر مستقیم هم آغاز شود. باقری هم بی‌اعتنا به دیپلماسی نیست و هم از این رو، از نامه‌نگاری ترامپ هم می‌گوید و رئیس دولت جدید آمریکا را فردی خوشفخته و قلدر مآب نامید و عنوان کرد: «امروز جهانیان شاهدند که او علاوه بر دشمنان، با دوستان و متحدهانش هم درگیر شده است. اخیراً هم نامه‌ای برای مقام معظم رهبری نوشت و پاسخ در خور خودش را هم به لحاظ تدابیر و اوامر ایشان دریافت کرد. تدابیر ایشان بر این مبنایرد که ما آغازگر جنگ نیستیم؛ هرگونه تهدید را با تمام قوا پاسخ خواهیم داد؛ به دنبال آرامش در منطقه هستیم؛ در مسئله هسته‌ای به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و نیازهای ملت خودمان را در هسته‌ای دنبال می‌کنیم؛ مذاکره مستقیم نخواهیم کرد، اما مذاکره غیر مستقیم ایرانی ندارد؛ شما بدقول‌ترین و بدعهدترین طرف در مذاکرات گذشته بودید و لذا هیچ اعتمادی به شما وجود ندارد. این پاسخ معقول و بسیار حکیمانه به این جهت است که هم مردم کشور ما و هم مردم جهان بدانند که راهبرد جمهوری اسلامی ایران، دفاع از منافع خودش و پیشرفت و حرکت به سمت افق‌های ترسیم شده است. جمهوری اسلامی ایران جنگ طلب نیست، اما قلدری و زورگویی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد.»

او دیپلماسی و میدان را همچون دو بال با هم پیش برده و باز تأکید کرد: «ما اراده رهبری و اراده نیروهای مسلح را در وعده‌های صادق به دشمن نشان دادیم و این اراده را همچنان حفظ کردیم و ارتقا دادیم و به گونه‌ای طرح ریزی کرده‌ایم که در صورت لزوم، از هنگام صدور فرمان معظم له، در کمترین زمان ممکن سبل توانمندی‌های ما بر سر دشمن فرود خواهد آمد. پاسخ ما به هرگونه تعرض به حرم و منافع جمهوری اسلامی ایران کوبنده و جبران ناپذیر خواهد بود.»

فرهنگ یکنگان

فرهنگ یکنگان



دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴



شماره ۴۳۸۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

بیانیه‌های سیاسی مهدی کروب‌ی را چه کسانی می نویسند و او چطور اداره می‌شود؟

گوشی رو بدید به آقای کروب‌ی



خبرنگار گروه سیاست

حضور ساده لوحان در سیاست فضایی را در اختیار فرصت طلبان قرار می دهد که آن‌ها را تبدیل به ابزاری برای رسیدن به اهداف خود قرار دهند، آن‌ها خواسته یا ناخواسته، در زمینی که آن‌ها برایشان چیده‌اند بازی می‌کنند و بعد حذف می‌شوند. اتفاقی که برای حیات سیاسی مهدی کروب‌ی رخ داد، ترکیبی از این دو گزینه است. اولین بیانیه کروب‌ی بعد از رفع حصر اثبات کرد، او همچنان برمدار ساده لوحی حرکت می‌کند و همانند ادوار گذشته، در پیچ و خم‌های سیاسی، فرمان سیاست‌ورزی‌اش را در اختیار اطرافیان قرار می‌دهد. متن این بیانیه نشان می‌دهد فاصله گرفتن کروب‌ی از فضای سیاست کار خودش را کرده و او در حالی پای یک ادعای قدیمی را وسط می‌کشد و دوباره جمهوریت نظام را زیر سؤال می‌برد که موضوع رفع حصر حتی دغدغه دسته چندم سیاسیون هم نیست.

بیانیه رادیکال بعد از رفتاری روادارانه

اولین بیانیه مهدی کروب‌ی بعد از رفع حصر، همانند خبر رفع حصر او حتی در فضای سیاسی هم مورد توجه قرار نگرفت. در متن بیانیه منصوب به کروب‌ی، ادعاهایی که او مطرح کرده، مقدمات آسیب به فضای سیاسی کشور و فضای اجتماعی را فراهم کرد. در بخشی از این بیانیه کروب‌ی مدعی شد، ریشه مشکلات موجود در کشور «جمهوریت‌زدایی حاکمیت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ است.» و بازم ادعای تقلب در انتخابات سال ۸۸ را مطرح کرد و نوشت: «برای من آزادی زمانی معنی پیدا می‌کند که

نگرش‌های مستبدانه جمعی تشنه قدرت و ثروت برای همیشه از این کشور رخت بپندد و در عمل شاهد حاکمیت مردم بر سرنوشت‌شان باشیم و میزان به معنای واقعی در همه امور رأی ملت باشد.» کروب‌ی ادعاهایش در مورد برقراری حصر را هم دوباره تکرار کرد و نوشت: «حکم به محرومیت و مجازات آن نه بر اساس قانون و تصمیم محکمه‌ای صالح، بلکه صرفاً بر مبنای اراده صاحب قدرت اعمال و اجرا شد. درخواست محاکمه علنی‌ام در مرجع ذی‌صلاح قانونی که بارها مطرح و بر آن مصر بودم هم اجابت نشد.» کروب‌ی در متن بیانیه به این موضوع هم اشاره کرد که ترجیح او این بوده که حصر او هم‌زمان با حصر میرحسین موسوی رفع شود. موضوعی که پیش از این حسین کروب‌ی فرزند مهدی کروب‌ی هم آن را مطرح کرده اما تکذیب شده بود.

رادیکالیسم همچنان پیش می‌رود؟

تصویر صندوق رأی سیار در خانه مهدی کروب‌ی، مشارکت او در هر دوره انتخابات ریاست جمهوری تیر ۱۴۰۳، این باور را در میان سیاسیون به وجود آورد که کروب‌ی از ادعاهایی که در جریان اتفاقات ۸۸ مطرح کرده، فاصله گرفته و بنایی بر خدشه وارد کردن به اصل دموکراسی در کشور ندارد. اما متن منتشر شده بیانیه، تفاوتی ۱۸۰ درجه‌ای با آنچه در این مدت رخ داده، داشته است؛ رفتاری که چند خطای سیاسی واضح دارد.

تکرار اشتباه ۸۸

مهدی کروب‌ی در عمر حیات سیاسی‌اش و به واسطه روحیه‌ای که دارد، بیشتر در قامت فردی تحت تأثیر ظاهر شده، نقطه اوج این رفتار که منجر به حذف او از سیاست شد، ادعاهای او در مورد انتخابات ۸۸

بود، چهره‌های تندرو و اصلاحات با وارد کردن او به میدان رادیکالیسم، بهره خود را از رفتارهای او بردند. کروب‌ی مشابه این ادعاها را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ هم مطرح کرده بود. در دوران ریاست مجلس ششم هم برخی از چهره‌های رادیکال بر تصمیمات او در فرایند اداره مجلس، تأثیرگذار بودند. به نظر می‌رسد در ماجرای رفع حصر و در میان تأیید و تکذیب اظهارنظر او در مورد حصر موسوی هم مشورت‌های رادیکال‌ها چندان بی‌تأثیر نبوده است، در شرایطی که حتی سیدمحمد خاتمی هم در دیدارش با مهدی کروب‌ی اشاره‌ای به حصر میرحسین موسوی نداشته است، این گزاره تقویت می‌شود که پای رادیکال‌ها در متن بیانیه کروب‌ی در میان است. تصور این بود که مهدی کروب‌ی به دنبال فاصله گرفتن از تصویری است که در سال ۸۸ از او ساخته شده است. اما به نظر می‌رسد، حلقه اطرافیان رادیکال کروب‌ی که در سال ۸۸ او را به سمت مواضع رادیکال هل دادند، حالا نیز به دنبال آن هستند تا عقده‌گشایی‌های خود را از زبان کروب‌ی مطرح کنند.

یادتان که نرفته حصر به خاطر ۸۸ نبود

شاید مرور زمان باعث شده تا برخی سیاسیون و مخصوصاً، مهدی کروب‌ی فراموش کنند که علت تصمیم‌گیری برای برقراری حصر چه بود. در شرایطی که دو نامزد انتخاباتی، بر ادعای خود بر تخلفات انتخاباتی اصرار داشتند و فضای مثبت پس از انتخابات را به آشوب و ناآرامی تبدیل کردند، خبری از برخورد امنیتی با آن‌ها نبود. تصمیم برای حصر یک سال بعد در ۲۵ بهمن ۸۹ در شرایطی گرفته شد که ضمن شباهت‌سازی بین اتفاقات مصر در بهار عربی با وقایع ایران، اردوکنشی خیابانی و برهم زدن امنیت ملی را تکرار

کردند. با علم به این موضوع، مهدی کروب‌ی دوباره اظهاراتی را مطرح کرده که در تقابل با امنیت و منافع ملی ایران قرار دارد. سؤال این است که آقای کروب‌ی نمی‌داند که مطرح شدن اظهارات او تحت تأثیر اطرافیان، با توجه به وضعیت و فضای سیاسی کشور چه معنایی دارد؟

اثرات فریزشدگی سیاست

دور بودن از فضای سیاست، باعث شد مهدی کروب‌ی و برخی اطرافیان او درکشان از خواست عمومی و فضای سیاسی در جزّ و اوضاع ۲۰ یا ۲۰ سال گذشته فریز شود. همین وضعیت فریزشدگی باعث شده ادعاهایی که مربوط به فتنه‌ای در ۱۵ سال پیش بوده، دوباره در متن این بیانیه منتشر شود. حتی بی‌تفاوتی مردم و اثر کم‌فروغ رفع حصر نیز موجب نشد تا آن‌ها جای درست را در کش و موضع‌گیری سیاسی خود مطرح کنند. درست در روزهایی که دغدغه مردم و نظام حکمرانی، با چالش‌های مختلف، مخصوصاً اقتصادی، دست و پنجه نرم می‌کنند، بیش از همیشه همگرایی را می‌طلبد، اما به نظر می‌رسد، رادیکال‌ها با سوءاستفاده از مهدی کروب‌ی و استفاده از او تصور می‌کنند که می‌توانند با این ادعاها جریانی تازه در کشور به وجود بیاورند و چالشی تازه روی می‌بگذارند. اگرچه بعد از عمری سیاست‌ورزی، تغییر ریل مسیر و روحیه سیاست‌ورزی امری بعید است. اما حداقل انتظار می‌رود، عقلای اصلاح‌طلب، به مهدی کروب‌ی یادآوری کنند که مطرح کردن این ادعاها و هزینه کردن از او می‌تواند چه تبعاتی برای شخص مهدی کروب‌ی به همراه داشته باشد و در این فقره ساده‌لوحی را کنار بگذارند و اجازه ندهند رادیکالیسم برای رسیدن به اهداف خود، او را دوباره در تقابل با نظام حکمرانی قرار دهد. کمترین توقع آن است که حداقل متن اولین بیانیه بعد از رفع حصر را خودشان بنویسند.